



سفر عایشه کولین به ایران باعث شد او بیش از پیش نزد مخاطبان ادبیات داستانی در ایران شناخته‌شده‌تر شود. حالا اثر تازه‌ای از این داستان‌نویس ترک در ایران ترجمه و منتشر شده است. رمانی که «پایان» نام دارد و با ترجمه پری اشتی در نشر فروزش تبریز به چاپ رسیده است.

در معرفی این کتاب آمده است: «پایان» نقطه پایانی برای شخصیت‌های مختلف رمان‌های قبلی این نویسنده ترک‌تبار است. رمان «مرغان شکسته‌بال» این نویسنده هم پیشتر با ترجمه پری اشتی توسط همین نشر منتشر شده است.

عایشه کولین سال گذشته در سفرش به ایران با اعلام خبر انتشار کتاب «پایان» گفته بود: کتابی از من به نام «سون» (به معنای پایان) به چاپ رسید. من در نوشتن کتاب‌هایم از آتیلا ایلهان، شاعر ترکیه‌ای، الهام گرفته‌ام.

یادترانه‌سرای ایرانی در فرانسه

افشین شحنه‌تبار گفت: جشنواره فرهنگی ادبی فیسپ فرانسه با برگزیده شدن ترجمه فرانسه کتاب «روزشمار یک عشق» زنده‌یاد افشین یداللهی، حال و هوای ایرانی به خود گرفت.

مدیر انتشارات شمع و مه با اشاره به معرفی کتاب روزشمار یک عشق، شامل شعرهای سپید زنده‌یاد افشین یداللهی در جشنواره فیسپ فرانسه به ایسنا گفت: در این برنامه که به صورت متفاوتی از جشنواره‌های ادبی برگزار شد، دکتر میترا فرزند مترجم اثر حضور داشت و دکتر رضا افشار نادری به معرفی ادبیات معاصر ایران و همچنین شعرها و ترانه‌های افشین یداللهی و نقش او در شعر و ترانه بعد از انقلاب پرداخت. دکتر جمال کامیاب، رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی در پاریس نیز در این برنامه حضور داشت.

او اظهار کرد: جشنواره ادبی فیسپ دارای شیوه اجرایی متفاوتی نسبت به برنامه‌های روتین مشابه هنری است. در این جشنواره هر یک از برگزیدگان در یک محل هنری و تاریخی از پیش تعیین شده در پنج نوبت ۴۰ دقیقه‌ای به معرفی خود می‌پردازند.

انتشارات شمع و مه به ترتیب در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۷ با ترجمه کارولین کراسکری و میترا فرزند، نسخه‌های انگلیسی و فرانسوی کتاب روزشمار یک عشق را به چاپ رسانده است.

همکاری ایرانی‌ها با انستیتوی ماکسیم گورکی

نکته جالب این‌که ما در این صفحه از میخائیل شولوخف که نویسنده‌ای روسی است نوشته‌ایم و در خلال گزارش از رفیق او یعنی ماکسیم گورکی هم یاد کرده‌ایم و در همین روز خبر می‌رسد که دبیر بنیاد شعر و ادبیات داستانی ایران با حضور در انستیتو ادبیات ماکسیم گورکی مسکو، با الکسی وِارلاموف، نویسنده و رئیس این موسسه دیدار و گفت‌وگو کرده است.

خبر را مهر منتشر کرده و در ذکر جزئیات نوشته: در این دیدار مهدی قزلی با تشریح فعالیت‌های بنیاد شعر و ادبیات داستانی، درباره برگزاری دوره‌های آموزش داستان‌نویسی آل جلال و دوره‌های پیشرفته داستان کوتاه و رمان توضیحاتی ارائه کرد و در ادامه گفت: از تجربیات، منابع و روش درسی این انستیتو برای آموزش و تدریس به ادب‌جویان بنیاد استفاده خواهیم کرد.

رئیس انستیتو گورکی نیز با استقبال از همکاری فیماپین، ابراز امیدواری‌کرد با ایجاد توسعه همکاری‌ها، امکان حضور استادان این مؤسسه در دوره‌های آموزشی بنیاد شعر و ادبیات داستانی فراهم شود.

این گزارش می‌افزاید، قزلی پیش از این دیدار از بخش‌های مختلف انستیتو ادبیات ماکسیم گورکی که مهم‌ترین و قدیمی‌ترین مؤسسه آموزش عالی ادبیات خلاقه در روسیه است، بازدید کرد.



پرونده گوستاو فلوبر در ایران باز شد

اگر از علاقه‌مندان به ادبیات داستانی گوستاو فلوبر، نویسنده رمان «مادام بواری» هستید، خبر خوبی برایتان داریم؛ شماره هفتاد و سوم مجله «سینما و ادبیات» که ویژه سینمای اتحاد شوروی و کارگردان مطرح آن آندری تارکوفسکی منتشر شده، در یکی از پرونده‌های ادبی‌اش مولفه‌های فرمال داستان‌های فلوبر را محور بحث

۷۰

کتاب‌های شولوخف به بیش از ۷۰ زبان ترجمه شده است.



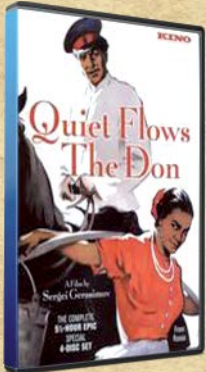
صابر محمدی

ادبیات و هنر

نمی‌دانم شما هم مثل من از آن دسته از مخاطبان ادبیات داستانی هستید که امر مخیل را به رئالیسم اجتماعی اولویت می‌دهند یا نه؟ اگر مثل من هستید، احتمالاً شما هم کمتر در طول سابقه داستان‌خوانی‌تان توانسته‌اید با نویسنده‌هایی چون میخائیل شولوخف کنار بیایید؛ نویسنده‌هایی که اساس اثرشان مبتنی است بر واقع‌گرایی اجتماعی. اما این دسته‌بندی‌ها مدت‌هاست ملاک ارزیابی اثر ادبی نیستند. یعنی اگر یک رمان بزرگ را فقط به این خاطر که ذیل عنوان رئالیسم سوسیالیستی یا واقع‌گرایی اجتماعی قرار می‌گیرد از دایره مطالعاتتان کنار بگذارید، ول معطلید! بگذارید راحت به شما بگویم که اگر چیزهایی را که می‌خوانید بر این مبنا انتخاب می‌کنید، بسیاری از شاهکارهای بزرگ قرن بیستم را از دست داده‌اید؛ آثاری که با وجود در نظر داشتن ایدئولوژی‌های حاکم بر اذهان نویسندگانشان تولید شده‌اند اما آتقدر ملاحظات ادبی‌را هم هنرمندانه مدنظر قرار داده‌اند که همچنان با لذت خوانده می‌شوند. یکی از این آثار بزرگ، رمان «دن آرام» میخائیل شولوخف است؛ داستان نویسی که ۱۱۴ سال پیش در یکی از همین روزهای ماه می‌کنار رود دن در روسیه به دنیا آمد و ۸۷ سال پس از آن و در حالی که خالق دوسه‌اثر مهم بود و جایزه نوبل ادبیات را هم روی طاقچه خانه‌اش داشت، درگذشت. آثار او را، هر چند اگر فقط یکی از آنها بسیار مورد توجه قرار گرفته باشد، «صخره‌های ادبیات جهانی» نامیده‌اند. اینجا در یک گزارش اینفوگرافیک کوتاه، نکاتی درباره او مطرح کرده‌ایم. از جمله یکی از مهم‌ترین شائبه‌ها در کارنامه ادبی او را نظر گذرانده‌ایم.

باز هم به هموطن‌هایش!

آثار شولوخف، خلاف دیگر نویسنده‌های بزرگ روس، چندان مورد توجه اهالی سینما قرار نگرفته اما چند فیلمنامه براساس آثارش نوشته شده‌است. مهم‌ترین آثاری که براساس رمان «دن آرام» ساخته شده، فیلمی است به همین نام از کارگردانی روسی به نام سرگئی گراسیموف در سال ۱۹۵۷ و فیلمی دیگر به همین نام به کارگردانی سرگئی بوندارچک در سال ۲۰۰۶. باز هم به هموطن‌هایش!



تو چیزی از تولستوی کم نداری رفیق

«دن آرام» به لحاظ اعتبار ادبی با رمان «جنگ و صلح» لئو تولستوی مقایسه می‌شود. چرا؟ چون روس‌ها معتقدند دن آرام از نظر توصیف عمیق زندگی و کثرت قهرمانان داستان و از نظر وصف طبقات مختلف جامعه و سرنوشت افرادی که به وقایع انقلاب و جنگ‌های داخلی جلب شده‌اند تا اندازه‌ای همانند جنگ و صلح لئو تولستوی است. گفتیم روس‌ها معتقدند منظوم ماکسیم

گورکی بود. او گفته بود دن آرام را فقط می‌شود گذاشت کنار شاهکار تولستوی. این، بلایی است که سر آن دسته از نویسنده‌ها نازل می‌شود که یک اثرشان آنقدر کل می‌کند که دیگر آثارشان به چشم نمی‌آید. کدام بلا؟ این‌که نکند این یکی را خودش ننوشته و از جایی بلند کرده؟ اگر این طور نیست چرا بقیه کتاب‌هایش، دن آرام نشدند؟ به شولوخف گفتند ایده و نوشته‌های اولیه مربوط به این کتاب را از

شولوخف به فارسی

تقریباً هر آنچه میخائیل شولوخف منتشر کرده به فارسی ترجمه شده است؛ «سرنوشت یک انسان»، «کره اسب»، «زمین نواباد»، «آنها برای میهن پیکار می‌کردند» و «دن آرام». این آخری هم‌که می‌دانید با سه ترجمه فارسی منتشر شده است. اول بار م.ا.به‌آدین، پس از او منوچهر بیگدلی خمسه و سرآخر احمد شاملو آن را به فارسی ترجمه کرده‌اند.

هیچ یک از مترجمان شولوخف در ایران، متن را از زبان روسی برگردانده‌اند. با این‌که ترجمه شاملو برطرف‌دتر است، اما کمتر کسی توافق دارد بر سر این‌که ترجمه او از دو ترجمه دیگر بهتر از آب درآمده باشد.

علاوه بر این، در حالی که نام احمد شاملو به‌تنهایی روی جلد یکی از سه ترجمه موجود از «دن آرام»

قرار داده است. جهت مطالب این پرونده بازخوانی فلوبر در بستر سنت رمان اروپایی است؛ یعنی بیان مولفه‌های فرمالی که فلوبر را از اسلافش ممتاز می‌کند. فلوبر از نویسندگان تأثیرگذار قرن نوزدهم فرانسه بود. نوع نگارش واقع‌نگرانه فلوبر، ادبیات بسیار غنی و تحلیل‌های روان‌شناختی عمیق او از جمله خصوصیات

آیا نوبل ادبیات را به یک دزد دادند؟

آنچه می‌خواهید درباره میخائیل شولوخف، خالق رمان «دن آرام» بدانید، اما جرأت پرسیدنش از تاریخ ادبیات عبوس روس را ندارید!

خبرنگار جنگ، مثل همینگوی

در جنگ دوم جهانی شولوخف به عنوان خبرنگار در جنگ شرکت داشت تا او هم یکی دیگر از رمان‌نویس‌های مهمی باشد که روزگاری خبرنگاری جنگ را تجربه کرده‌اند، مثل ارنست همینگوی و دیگران.

نویسنده‌ای به نام فنودور کریوفک دزدیده‌ای. میخائیل هم بالفور یک گروه از محققان نروژی را مامور کرد تا با تحلیل نوشته‌های دیگرش و مقایسه‌شان با دن آرام بررسی کنند که آیا این اثر دزدی است یا نوشته خودش. این گروه نروژی پس از سه سال تحقیق به این نتیجه رسید که کتاب را خود شولوخف نوشته است. اما این ادعا که او کار فنودور کریوفک که در سال ۱۹۲۰ درگذشته، بلند کرده هیچ گاه رنگ نیاخت.

نویسنده ابوالمشاغل

جنگ داخلی که شروع شد، شولوخف در حالی که ۱۳ ساله و عضو ارتش سرخ کارگران و کشاورزان هم بود، تحصیل را رها کرد. از سال ۱۹۱۸ او مشغول کار شد و جالب است بدانید در مدت پنج سال او بارها پیشه خود را تغییر داد.



تمام‌روسی اما جهانی

آثارش است که الهام‌بخش نویسندگانی چون گی دو موپاسان، امیل زولا و آلفونس دوده بوده‌است، او خود تأثیرگرفته از سبک و موضوعات بالزاک نویسنده دیگر قرن نوزدهم است؛ به‌طوری‌که دو رمان بسیار مشهور او، یعنی «مادام بواری» و «تربیت احساسات»، به ترتیب از «زن سی‌ساله» و «زنیق دره» بالزاک الهام می‌گیرند.

مرگ

در وشنسکایا



دریافت جایزه نوبل ادبیات

انتشار چهارمین و آخرین جلد رمان «دن آرام»



انتشار اولین جلد از چهار جلد رمان «دن آرام»

پیوستن به ارتش سرخ

کارگران و کشاورزان روسیه



تولد در روستای کروچلنین در نزدیکی وشنسکایا

